نگاه یک منتقد به ۲ سریال اخیر تلویزیون؛

از اشتباهات فاحش «صفر ۲۱» تا جذابیت «خانه امن» با اشکالاتی در فرم

■ محمدتقی فهیم با انتقاد صریح از سریال «صفر بیست و یک» معتقد است، ساخته مشترک جواد رضویان و سیامک انصاری نتوانست انتظارها را آنطور که باید و شاید برآورده کند. این منتقد همچنین موضوع پلیسی ـ امنیتی سریال «خانه امن» را تحسین برانگیز، اما پرداخت شخصیت‌ها در این سریال را نامناسب و تکراری می‌داند.

گروه سینما و تلویزیون– فهیم در ابتدای صحبت هایش سریال «صفر ۲۱» را ضعیف و فاقد نوگرایی می داند و می گوید: نکته چندان مثبتی در این سریال به چشم نمی خورد. ویترین خوبی داشت اما از این ویترین استفاده نکرده بود. ما بازیگر خانم در کمدی کم داریم، همان چند بازیگر خوب در این سریال حضور داشتند که سریال آنها را هم سوزاند.

او در نقد ساخته مشترک جواد رضویان و سیامک انصاری چنین ادامه می‌دهد: حیفِ آقای سیامک انصاری که متاسفانه هر شَبکه‌ای که می‌زنیم ایشان را می‌بینیم و حتی سوار تاکسی هم که می‌شویم صدایش را می‌شنویم و اگر بخواهیم ارزیابی کنیم همین کار تبلیغاتی که می‌کند از سریالش جذاب تر است. در مجموع سریال «صفر ۲۱» نتوانست در حد انتظار مخاطب ظاهر شود. فکر می‌کنم بیشتر هم این اتفاق به اعتمادی برمی گردد که مردم نسبت به سابقه این برنامه سازان داشتند.

این منتقد تاکید می کند: وقتی از کار طنز صحبت می‌کنیم، منظور فقط خنداندن نیست؛ کمدی حتی می‌تواند آدم را به گریه بیندازد، مثل چارلی چاپلین که خیلی جاها آدم را به گریه می‌اندازد.

فهیم انتظاری که مخاطبان از سریال «صفر ۲۱» به واسطه حضور دو چهره برجسته طنز تلویزیونی داشتند را به جا می‌داند و می گوید: طبعا وقتی آقای رضویان و انصاری در کاری هستند، مخاطب انتظاراتی دارد. این بازیگران در سطحی قرار دارند که دستمزدها و امکانات بیشتری می گیرند که همه به خاطر این انتظار است؛ مگر الان به جوانانی که وارد کار طنز شوند، این امکانات داده می‌شود؟

او در عین حال می گوید: البته اینکه انتظار داشته باشیم همه کارهای کمدین‌ها و هنرمندان خوب باشد هم درست نیست. می توان این کار را جزو کارهای ضعیفشان دانست، نمی شود همه کارهایشان خوب باشد.

این منتقد درباره سریال طنز «صفر ۲۱» که به تازگی پخش آن از شبکه سه سیما تمام شده است، ادامه می‌دهد: بازی‌ها، قاب ها و تدوین سریال اشکالاتی داشت. در این کار اشتباهات ویرانگرانه‌ای به چشم می خورد و برخی نکات ابتدایی هم رعایت نشده بود. پرش هایی از این صحنه به آن صحنه داشت که مخاطب نمی‌توانست با سریال ارتباط بگیرد.

او می گوید: فیلم‌نامه بخشی از کار است. فیلم‌نامه قوی را کارگردان ضعیف خراب می‌کند. در اجرا کار را دم دستی گرفتند و فیلم نامه هم رفته بود به سمت بهره برداری از متن های دم دستی که قبلا کار شده بود؛ مثل فضای مجازی. بازی‌ها حساب نشده بود و تحلیل نقش و شخصیت نداشت. همه این‌ها دست به دست هم داده بود که سریال چندان قابل تحمل نباشد.

خانه امن؛ سوژه ای جذاب با اشکالاتی در فرم

محمد تقی فهیم درباره سریال«خانه امن» هم می گوید: «خانه امن» در مقایسه با سطح سریال های شبکه یک در چند سال اخیر، جزو کارهای خوب محسوب می شود؛ این خوبی سریال، به خاطر موضوع و انتخاب سوژه است. چنین موضوعاتی جزو الزامات و وظیفه تلویزیون است. سینمای ما اصلا به موضوعات پلیسی ـ جاسوسی نمی‌پردازد که این کمبود جدی است. در تلویزیون پیشتر نمونه‌هایی مثل «گاندو» را داشته‌ایم و تلویزیون این ضعف سینما را جبران می کند.

این منتقد نقطه قوت سریال «خانه امن» را فقط موضوع آن می‌داند که در شرایط کنونی، موضوع لازم و به جایی است. او در عین حال معتقد است که «به فرم و ساختار سریال اشکالات زیادی وارد است» و در این زمینه می گوید: در سریال «خانه امن» نوگرایی نمی‌بینیم. در خیلی از صحنه‌ها دو نفر نشسته‌اند و حرف‌های لوس و کند می‌زنند. این سریال در پرداخت جلوه کهنه‌ای دارد.

او ادامه می‌دهد: داستان‌های پلیسی ـ جاسوسی حتما باید یک شخصیت جذاب و کاریزماتیک محوری و قدرتمند داشته باشند و در مقابلش یک ضد قهرمان باید وجود داشته باشد اما «خانه امن» متشتت و پراکنده است و شخصیت‌ها خوب پرداخت نشده‌اند.

این منتقد با بررسی دو شخصیت سریال «خانه امن» اضافه می کند: همسر قاضی در جایی شخصیت محکمی دارد اما وقتی دخترشان دزدیده می‌شود قاضی و همسرش انگار آدم‌های دیگری می‌شوند و طور دیگری رفتار می‌کنند.

یا مثلا قاضی که قبلا رزمنده بوده و نمادی از جریان سالم کشور است، فقط یک دختر دارد. الان و در شرایطی که حاکمیت تبلیغ فرزندآوری دارد، این قاضی فقط یک دختر دارد؛ این‌ها مسائلی است که باید به آن توجه می‌شد.

او می‌افزاید: سریال از جایی به بعد وارد روابط و مناسبتی دم دستی شده و ارزش‌های چند قسمت اول را زیر پا گذاشته است. «خانه امن» را اگر با سریالی مانند «گاندو» مقایسه کنیم، سریال ضعیفی است یا حتی نسبت به برخی کارهای سینمایی با این موضوع مثل «قلاده‌های طلا» هم ضعیف است.

فهیم با بیان اینکه مهم این است که سریال و محتوایش به نظر بیننده تازه بیاید و فکر کند قبلا این را جایی ندیده است یا کمتر دیده است، ادامه می‌دهد: شخصیت‌ها باید دارای کاریزمای لازم باشند اما سریال «خانه امن» این‌ها را ندارد؛ مثلا آقای زندگانی و آقای پگاه به عنوان دو پلیس در سریال خیلی منفعل هستند. طرز بیان، عمل و پرحرفی‌های بیش از اندازه‌شان مناسب نیست؛ حدسیاتشان خیلی بیش از حد است؛ در صورتی که در کارهای پلیسی، پلیس‌های مقتدر آنقدر نمی‌گویند حدس می‌زنیم، این شخصیت‌ها مکررا از کلمه حدس می‌زنم استفاده می‌کنند.

این منتقد تلویزیونی در پایان درباره سریال «خانه امن» می گوید: نکته دیگر این است که سریال های پلیسی حتما باید طوری طراحی شوند که یا مخاطب جلوتر از پلیس باشد یا پلیس جلوتر از مخاطب؛ یعنی یک سری اتفاقات را مخاطب بداند و پلیس نداند یا پلیس ها بدانند و مخاطب هم همراه با آن‌ها می فهمد؛ اما این سریال بین این دو رویکرد سرگردان است و هیچ اتفاقی نیست که ما را دچار دلهره و اضطراب کند.

بدمنی به نام «زمان»؛

فیلم‌های «نولان» چگونه جهان را روایت می کند

گروه سینما و تلویزیون– تنت» تازه‌ترین روایت سینمایی کریستوفر نولان است؛ فیلمی که هر چند توفیق تجربه‌های موفق قبلی را برای او به همراه نداشت اما می‌توان آن را دنباله‌ای بر سبک فیلمسازی خاص این کارگردان قلمداد کرد. بالاخره پس از کش و قوس‌های بسیار فیلم تازه کریستوفر نولان اکران شد تا شاید هیجان ناشی از سینمای پرانگاره او شکست تجاری ناشی از کرونا را شکست دهد. Tenet – که به فارسی انگاره، اعتقاد و تلقین ترجمه شده است –به تازگی پایش به ایران هم باز شده و تولید محتوا درباره فیلم به زبان فارسی هم آغاز شده است. پیش‌تر نمره عجیب و غریب منتقدان خارجی به فیلم نظر رسانه‌های ایرانی را جلب کرده بود و نگاه طرفداران نولان به روزشمار پخش نسخه اینترنتی فیلم بود و حالا باید منتظر واکنش منتقدان داخلی به تازه‌ترین فیلم این فیلمساز مهم سینمای امروز جهان، باشیم.

اما چرا نولان برای سینمادوستان مهم شده است؟ سینمای او چه چیزی درون خود دارد که این‌چنین برای دیدن اثر جدیدش سر و دست می‌شکنند؟ نولان کیست و سینمایش محصول چه دنیایی است؟

نولان چه می‌کند؟

سینمای کریستوفر نولان واجد نوعی زیبایی‌شناسی هم‌راستا با مضامین خاص و تکنیک‌های سینمایی است. به عبارتی سینمای نولان امضا دارد و با دیدن سکانسی از فیلم فریاد می‌زنید «اوه، فیلم نولان». می‌توانید قطاری از تکنیک‌هایی را ردیف کنیم که دو دهه اخیر نولان در مقام فیلمسازی پسامدرن در سینما به‌کار گرفته است، از تدوین بیضوی تا نورپردازی مستندگونه.او از معدود فیلمسازانی است که رابطه حسنه‌ای با ریاضی و فیزیک ایجاد کرده و نخبه‌های دانشگاهی را با سینما آشتی داده است. مثلاً زمانی که «بین‌ستاره‌ای» اکران شد انبوهی مقالات فیزیکی در باب سیاهچاله‌ها و کوانتوم با تکیه بر فیلم منتشر شد عموماً هم در وضعیت تحسین تا تقبیح.

سبک نولان مصداق بارز چیزی است که به آن «سهل و ممتنع» می گوئیم. از قضا آنچه می‌بینیم داستانی است ساده از کشمکش یک قهرمان؛ اما در باطن با انبوهی از مباحث معرفت‌شناختی همانند تجربه ذهنی، ماتریالیسم، تحریف حافظه، اخلاق انسانی، ماهیت زمان، علیت و ساخت هویت شخصی روبه‌روییمسبک نولان مصداق بارز چیزی است که به آن «سهل و ممتنع» می گوئیم. از قضا آنچه می‌بینیم داستانی است ساده از کشمکش یک قهرمان؛ اما در باطن با انبوهی از مباحث وجودی و معرفت‌شناختی همانند تجربه ذهنی، ماتریالیسم، تحریف حافظه، اخلاق انسانی، ماهیت زمان، علیت و ساخت هویت شخصی روبه‌روییم. شخصیت‌های او غالباً دچار اضطراب، وسواس و درگیری مبهم اخلاقی‌اند و با ترس و اضطراب تنهایی، گناه، حسادت و حرص و طمع روبه‌رو می‌شوند. نولان مثل بیشتر آدم‌های روی زمین درگیر پرسش تقدم ماهیت و وجود است. همان چیزی که ما با خودمان مدام تکرارش می کنیم.

سبک نولان چیست؟

به نظر می‌رسد سینمای نولان، سینمایی پست‌مدرن است. این نگاه نیز محصول نگاه محتوایی نولان به سینما و البته فرم بیانی اوست. شکست زمانی، دگرگون کردن واقعیت، تلفیق ژانری و از همه مهمتر شالوده‌شکنی ویژگی سینمای پست‌مدرن است.

مثال ساده نسخه‌های بت‌من کریستوفر نولان است که با هیچ بت‌من دیگری شباهت ندارد، به زبان ساده نولان شالوده‌های سینمای مبتنی بر کامیک‌بوک‌ها را می‌شکند تا فیلم خودش را بسازد. سبک بصری نولان قابل تشخیص است. کافی است به محیط و شخصیت‌ها دقت کنید، اینها اجزای فیلم‌های نولان و حامل معنایند. اغلب فیلم‌های نولان در فضای شهری فیلمبرداری می‌شوند، شخصیت‌هایش مردان کت‌پوش‌اند، رنگ‌ها در فیلم‌هایش مات‌اند، صحنه‌های گفتگو در کلوز آپ‌های واید با عمق میدان اندک قاب‌بندی می‌شوند، نولان شیفته مکان‌هایی است با معماری مدرن.

از نظر زیبایی‌شناسی، نولان طرفدار سایه‌های عمیق و محرک حافظه، نورپردازی مستندگونه، کار با دوربین روی دست، صحنه‌پردازی طبیعی و مکان‌های واقعی برای فیلمبرداری است. پالت‌های رنگی (مجموعه رنگ‌هایی که در فیلم دیده می‌شود) وی تحت‌تأثیر کوررنگی قرمز–سبز است. خودش گفته به شدت تحت‌تأثیر فیلم‌های نوآر است، فیلم‌هایی که در دهه چهل تا شصت با حضور کارآگاه‌های خسته و شکست‌خورده و زنان فتنه‌برانگیز و مجموعه‌ای از یأس ناشی از جنگ‌جهانی دوم و لیبرالیسم اوج می‌گیرند.

بین‌ستاره‌ای

اما شاید مهمترین وجه سینمای نولان دستکاری در زمان باشد. نمی‌توان فیلمی از نولان را مثال زد که در آن زمان نقش‌آفرینی نمی‌کند. حتی در «دانکرک» که به نظر سه داستان موازی با محوریت ماجرای تخلیه ساحل دانکرک در جنگ‌جهانی دوم است، بعدها می‌فهمیم این سه داستان آنچنان هم موازی نبودند، بلکه در زمان‌های مختلف رخ می‌دهند و این تلقین به ما انتقال داده می‌شود که آنان همزمان با یکدیگر رخ داده‌اند.

در واقع واژه «تلقین» هم بخشی از سبک فیلمسازی نولان است تا مخاطب در هزارتوی روایی او گیر کند. نمونه جذابش سکانس اسیر شدن قهرمان «بین‌ستاره‌ای» در یک سیاهچاله است تا او در آینده، گذشته را ببیند و سر شما سوت بکشد.

نولان اولین بار در فیلم کوتاه «دودلبگ» بازی با زمان و مکان و با روایت‌های مخدوش‌شده را آزمایش کرد، جایی که مرد کشنده حشرات در چرخشی داستانی خود قربانی کشنده‌ای بزرگ‌تر از خویش می‌شود. همان دمپایی مرگبار در ابعاد بزرگ‌تر بر سرش نازل می‌شود و تمام. این روایتی از سال ۱۹۹۷ است.

شاید هنوز برخی از مفاهیم درس هندسه در یادتان مانده باشد. «نوار موبیوس» یکی از آن مفاهیم جذاب درسی بود، حتی وجه کاردستی هم داشت، نواری شبیه به علامت بی‌نهایت که اگر خودکار را روی آن حرکت می‌دادیم هیچ‌گاه خط ترسیم شده در نقطه‌ای قطع نمی‌شد. هر کاری می‌کردید باز به نقطه آغازین بازمی‌گشتید. فیلم‌های نولان الهامات خود را نمونه‌های ساده‌ای چون نوار موبیوس می‌گیرند، برای همین شما با وجوه ناممکن، پارادوکس‌های بصری و ساختار موزاییکی مواجهه می‌شوید. حالا چیزی ساده گیجتان می‌کند و جذابیت ماجرا همین‌جاست. شما در قامت کاشف وارد دنیای نولان می‌شوید.

نوار موبیوس

حالا اگر ریاضی چندان دل‌خوشی ندارید، اینجا فرصت کشف «زیبایی ریاضیات» را پیدا می‌کنید. مثلاً در ریاضی شیء ناممکنی است به نام «پلکان پنروز». این پلکان گونه‌ای از مثلث پنروز است، ترسیمی دو بعدی از پلکانی است که پله‌هایش در حین بالا آمدن یا پایین رفتن، چهار پیچ ۹۰ درجه را متحمل می‌شوند و در عین حال یک چرخه پیوسته را تشکیل می‌دهند، به گونه‌ای که شخص همواره از پلکان بالا می‌رود؛ ولی به ارتفاع بالاتری نمی‌رسد. نولان از این شیء ناممکن در «تلقین» استفاده کرده است. در «بین ستاره‌ای» هم از مفهومی پیچیده به نام «تسرکت» (ابرمکعب چهاربعدی) بهره برده است، تسرکت یک ابرمکعب چهاربعدی است، شیء که از تماشایش سرگیجه خواهد گرفت.

مضامین محبوب نولان چیست؟

آثار نولان کنکاشی در مباحث وجودی، اخلاقی و معرفت‌شناختی مانند تجربه ذهنی، تحریف حافظه، اخلاق انسانی، ماهیت زمان، علیت و ساخت هویت شخصی است. نولان درباره دیدگاه ذهنی (سوبژکتیو) گفته «مجذوب درک ذهنی انسان از واقعیم، اینکه همه ما در یک نقطه‌نظر بسیار منحصربه‌فردی گیر کرده‌ایم، چشم‌اندازی واحد که همه در مورد واقعیتی عینی بودنش موافقیم. و فیلم راهی است که سعی می‌کنیم چیزها را از نقطه‌نظر یکسانی ببینیم.»

پرسش‌های هستی‌شناختی در مورد ماهیت و وجود نیز نقش عمده‌ای در آثار نولان دارند. شخصیت‌های فیلم‌هایش همواره دچار بحران وجودی می‌شوند و هویت خود را مخدوش و آشفته می‌یابند. از همین روست که در آثار نولان دنیای واقعی (یا عینی) اهمیت کمتری پیدا می‌کند و این واقعیت ایجاد شده (یا ذهنی) است که مهم می‌شود. فیلم‌های نولان به شکل قابل توجهی مبهم‌اند و اغلب فیلم‌سازی‌اش به معماری شباهت پیدا می‌کند. با این حال خودش می‌گوید از افشای ابهامات فیلم‌هایش اجتناب می‌کند تا مخاطبان بتوانند خود دست به تفسیر فیلم‌ها بزنند. تام شون، منتقد فیلم، از همین نظر آثار نولان را «تریلرهای معرفت‌شناختی» توصیف می‌کند. تریلر گونه‌ای سینمایی است که هدفش تهییج مخاطب است، سینمایی که قرار است آدرنالین خون شما را بالا ببرد. حالا در فیلم نولان وجه هیجان‌انگیز ماجرا ابعاد فلسفی می‌یابد، همان نقطه‌ای که پیش از نولان کوبریک بدان دست یافته بود.

فارغ از اینکه فیلم‌های نولان نگاهی به فساد و دسیسه دارد؛ اما شخصیت‌های فیلم‌هایش غالباً دچار اضطراب، وسواس و ابهام در اخلاق‌اند و با ترس و اضطراب، تنهایی، گناه، حسادت و حرص روبه‌رو می‌شوند. اگر فیلم «تلقین» را به یاد داشته باشید می‌توانید خوب درک کنید چگونه شخصیت اصلی فیلم بار گناه مرگ همسرش را به دوش می‌کشد و در برابر شخصیت زن مقابلش وضعیت مغشوشی دارد. او بین خیانت و وفاداری در نوسان است، دوتایی که با موضوع مرگ و زندگی نیز گره می‌خورد یا حتی انتقام و بخشش. این دوتایی‌ها شکلی از ابهام را می‌آفرینند که بخش اساسی فلسفه اخلاق به حساب می‌آیند و ما در زندگی روزمره مدام بدان دچار می‌شویم. در برخی از فیلم‌های نولان حتی شخصیت مثبت و منفی تصاویر آینه‌ای یکدیگر می‌شوند، همانند فیلم «تلقین» یا سری «بت‌من».

برجسته‌ترین درون‌مایه آثار نولان مفهوم زمان است. تمام فیلم‌های او با مفهوم ساختاری با زمان رابطه عجیبی می‌سازند. اگر «تلقین» را ندید، توصیه به دیدنش می‌کنیم، جایی که شما نه تنها زمان در هم تنیده و پیچیده را تشخیص نمی‌دهید که مکان هم از شکل خارج می‌شود. دنیای تودرتویی فیلم، شاید با تکیه بر مفهوم فیزیکی و هستی‌شناختی با عنوان «دنیاهای موازی» در فیلم به خوبی به تصویر کشیده می‌شود؛ البته در انباشتی از هیجان.

زمان در آثار نولان محصول مطالعات قوانین فیزیک و نظریه نسبیت عام انیشتین است. زمان در آثار نولان آنتاگونیست فیلم یا همان شخصیت بد معرفی می‌شود.

پرسش‌های هستی‌شناختی در مورد ماهیت و وجود نیز نقش عمده‌ای در آثار نولان دارند. شخصیت‌های فیلم‌هایش همواره دچار بحران وجودی می‌شوند و هویت خود را مخدوش و آشفته می‌یابند. از همین روست که در آثار نولان دنیای واقعی (یاعینی) اهمیت کمتری پیدا می‌کند و این واقعیت ایجاد شده (یا ذهنی) است که مهم می‌شود.

مهم این است که شما به چه چیزی فکر می‌کنید. تاد مک‌گاوین، نویسنده کتاب «کریستوفر نولان افسانه‌ای» استدلال می‌کند که نولان نخستین فیلمسازی است که خود را کاملاً به توهم رسانه اختصاص داده و او را فیلمسازی هگلی نامیده است. حالا قصد نداریم چندان وارد ماجرای هگل شویم؛ اما همه چیز به جای برمی گردد که آنچه ما می‌بینیم با آنچه در بیرون از ذهن ما وجود دارد، تفاوت شگرفی است.

فیلم‌های نولان چگونه جهان را تفسیر می‌کنند؟

آثار نولان غالباً به عنوان تفسیرهای مهم اجتماعی و سیاسی تلقی می‌شوند و از همین لحاظ پای فلاسفه را به نقد آثارش باز کرده است. ژیژک، فیلسوف مشهور اسلوونیایی گفته «شوالیه تاریکی» نولان نشان می‌دهد بلاک‌باسترهای هالیوودی می‌توانند «شاخص‌های دقیق مخمصه‌های ایدئولوژیک جوامع ما» باشند.سه‌گانه «شوالیه تاریکی» کنکاشی در آشوب، تروریسم، تشدید خشونت، اختلاس، سودمندی، نظارت گسترده و درگیری طبقاتی است. قوس شخصیتی بتمن از یک مرد به‌سوی «چیزی بیش از یک مرد» است شبیه به ابرانسان نیچه است. این مجموعه همچنین ایده‌هایی از شکوه فلسفی روش ساده‌تر و ابتدایی‌تر زندگی و مفهوم اراده عمومی ژان ژاک روسو را بازتاب می‌دهد. داگلاس کلنر، نظریه‌پرداز این مجموعه را تمثیلی مهم در مورد دوران بوش و دیک چنی می‌داند که مضمون فساد دولت و عدم‌حل مشکلات اجتماعی و نمایش‌های سینمایی و نمادپردازی‌های مربوط به ۱۱ سپتامبر را برجسته می‌کند.

در سال ۲۰۱۸، مجله محافظه کار The American Spectator مقاله‌ای با عنوان «در جستجوی کریستوفر نولان» منتشر می‌کند و می‌نویسد «همه فیلم‌های نولان، ضمن حفظ وطن‌پرستی قدرتمند، در سطح زیرین آب‌های تیره و تار فلسفه فرومی‌رود، و برخی از این عمیق‌ترین تقلاهای انسانی در عصر متأسفانه پسامدرن ما را جستجو می‌کند.»

این مقاله همچنین بیان می‌کند که دانکرک از کار نمایشنامه‌نویسان ابزوردیستی چون ساموئل بکت و رمان‌های تیره و تار فلاسفه اگزیستانسیالیسم، آلبر کامو و ژان پل سارتر نشأت گرفته است؛ هر چند خود نولان گفته هیچکدام از فیلم‌هایش قرار نیست سیاسی باشند.

نولان از چه کسانی الهام می‌گیرد؟

نولان از نقاش مشهور هلندی موریس اشر به عنوان منبع الهام و ایده در کارهایش یاد کرده است. خودش می‌گوید «من به شدت از موریس اشر و نقطه اتصال جذاب یا محو شدن مرزهای میان هنر و علم یا هنر و ریاضیات الهام گرفته‌ام.» دیگر منبع الهام او خورخه لوئیس بورخس، نویسنده آرژانتینی است. خودش فیلم «مومنتو» را «پسر عموی عجیب» «یادبود فیونه» می‌داند و گفته است «خیال می‌کنم نوشته‌های بورخس به‌طور طبیعی و به خودی خود معطوف به یک تفسیر سینمایی است؛ چون تماماً کارایی و دقت است، استخوان‌های برهنه یک ایده.»

استنلی کوبریک، مایکل مان، ترنس مالیک، اورسون ولز، فریتز لنگ، نیکلاس روگ، سیدنی لومت، دیوید لین، ریدلی اسکات، تری گیلیام و جان فرانکنهایمر فیلمسازانی هستند که رد پاهایشان در سینمای نولان دیده می‌شود فهرست فیلمسازانی که بر سبک سینمایی نولان تأثیرات داشته‌اند، شاید خود شکلی از مطالعه تاریخ سینما باشد: استنلی کوبریک، مایکل مان، ترنس مالیک، اورسون ولز، فریتز لنگ، نیکلاس روگ، سیدنی لومت، دیوید لین، ریدلی اسکات، تری گیلیام و جان فرانکنهایمر فیلمسازانی هستند که ردپاهایشان در سینمای نولان دیده می‌شود.

فیلم‌های مورد علاقه نولان شامل بلیدرانر (۱۹۸۳)، جنگ ستارگان (۱۹۷۷)، مردی که می‌خواست شاه باشد (۱۹۷۵)، لارنس عربستان (۱۹۶۲)، محله چینی‌ها (۱۹۷٤)، ۲۰۰۱: یک ادیسه فضایی (۱۹٦۸)، ویدئیل و من (۱۹۸۷) می‌شوند.

در سال ۲۰۱۳ مجموعه کریتریون فهرستی از ده فیلم مورد علاقه نولان را در کاتالوگش منتشر کرد که شامل فیلم‌های ضربه (۱۹۸٤)، ۱۲ مرد خشمگین (۱۹۵۷)، خط نازک قرمز (۱۹۹۸)، وصیت‌نامه دکتر مابوزه (۱۹۳۳)، زمان‌بندی بد (۱۹۸۰)، کریسمس مبارک آقای لارنس (۱۹۸۳)، برای همه انسان‌ها (۱۹۸۹)، زندگی بدون توازن (۱۹۸۲)، آقای آرکادین (۱۹۵۵)، و حرص اریک فون اشتروهام (۱۹۲٤) بود. او همچنین از طرفداران فیلم‌های جیمز باند است و از آنها به عنوان «منبع عظیمی الهام» یاد کرده است.

عادت نولان در به کارگیری داستان‌های غیرخطی از تأثیر رمان واترلند گراهام سویفت است. نولان همچنین تحت‌تأثیر زبان بصری فیلم دیوار پینک‌فلوید (۱۹۸۲) و ساختار پالپ فیکش (۱۹۹٤) است و خودش گفته «مجذوب آنچه تارانتینو انجام داده» شده است. دوزخ دانته، جنگل سری ماکس ارنست و فیلم‌های اورفئوس (۱۹۵۰)، بندر (۱۹٦۲)، سرویس مخفی اعلی حضرت (۱۹٦۹) و زابربسیکی پوینت (۱۹۷۰) دیگر الهام‌بخشان فیلمساز انگلیسی بوده است. در زمان اکران «بین‌ستاره‌ای» وی به تعدادی از آثار ادبی از جمله «پختستان» اثر ادوین ابوت ابوت، «کارخانه زنبور» اثر ایان بانکس و «چین‌خوردگی در زمان» اثر مادلین انگل اشاره کرده بود. در «دانکرک»، نولان گفته از کارهای رابرت برسون و فیلم‌هایی چون تعصب (۱۹۱٦) و طلوع (۱۹۲۷) و همچنین مزد ترس (۱۹۵۳) الهام گرفته است.

صالح میرزا آقایی بازیگر سریال «دعوت نحس» شد

گروه سینما و تلویزیون– بازیگر «بانوی عمارت» سومین همکاری خود با علیرضا افخمی را پس از «تب سرد» و «گمگشته» تجربه می‌کند. صالح میرزا آقایی بازیگر سینما و تلویزیون، درباره فعالیت هنری اخیر خود گفت: این روزها در سریال «جشن سربرون» به کارگردانی مجتبی راعی حضور دارم و نقش یک انگلیسی تبار را بازی می‌کنم. وی ادامه داد: این سریال قصه تاریخی دارد و روایتگر دوران قبل از مشروطه است و زندگی چند خان ایل را که در شیراز زندگی می‌کنند را به تصویر می‌کشد.

بازیگر «گاندو» عنوان کرد: در این سریال هنرمندان بسیاری حضور دارند و آقای راعی به عنوان کارگردان با دکوپاژهای جذاب و درایت خوب کار را پیش می‌برند. بازیگر سریال «جشن سربرون» درباره قرارداد جدیدش گفت: به تازگی برای سریال «دعوت نحس» به کارگردانی علیرضا افخمی، تهیه‌کنندگی محمودرضا تخشید هم قرارداد بستم و یکی از نقش‌های اصلی را بازی می‌کنم. البته این سومین همکاری من با آقای افخمی بعد از سریال «تب سرد» و «گمگشته» است. وی افزود: عوامل فیلم «دعوت نحس» این روزها در شمال کشور هستند و من بعد از بازگشت آنها به تهران به گروه اضافه می‌شوم. بازیگر سریال «بانوی عمارت» درباره سریال روزهای ابدی نیز گفت: در سریال «روزهای ابدی» هم حضور دارم که قرار است به زودی از شبکه یک سیما پخش شود.

میرزا آقایی اشاره‌ای هم به کار آفرینی اش کرد و گفت: کارگاهی برای تولید میز و مبل و... دارم و با توجه به شرایط موجود شرایط خیلی دشوار است. امیدوارم شرایط برای تولید و کار بهتر شود.

ستاره «بازی تاج و تخت» انتقام جوی سمی می‌شود

گروه سینما و تلویزیون– پیتر دینکلیج برای نقش آفرینی در نقش اصلی بازسازی فیلم سینمایی «انتقام جوی سمی» انتخاب شده است.

پیتر دینکلیج که برای بازی در سریال «بازی تاج و تخت» شناخته می‌شود در ریبوت فیلم سینمایی «انتقام جوی سمی» نقش آفرینی می‌کند.

میکن بلیر نویسندگی و کارگردانی این پروژه را بر عهده دارد که یک تصویرسازی جدید و معاصر از فیلمی دیگر به همین نام که در سال ۱۹۸٤ مورد استقبال قرار گرفته بود توصیف شده است. دینکلیج در این فیلم نقش توکسی یا همان سمی را بر عهده دارد که در واقع همان ابرقهرمانی است که داستان فیلم روی آن تمرکز دارد. لوید کافمن و مایکل هرز تهیه کنندگان این پروژه هستند.

داستان فیلم نخست به این صورت است که شخصیت اصلی فیلم که در ابتدا با نام ملوین معرفی و شناخته می‌شود، به درون یک گودال از زباله‌های سمی هل داده می‌شود. او از این حادثه زنده می‌ماند و حالا می‌خواهد پسرش را نجات دهد. فیلم «انتقام جوی سمی» در زمان انتشارش به یک فیلم محبوب تبدیل شد و کارتون‌های زیادی از این شخصیت برای کودکان ساخته شد.

دینکلیج برای بازی در سریال «بازی تاج و تخت» بسیار مورد تحسین منتقدان قرار گرفته بود و برای این نقشش نیز ٤ جایزه امی و گلدن گلوب دریافت کرده است. او در حال حاضر مشغول فیلمبرداری در «Cyrano» به کارگردانی جو رایت است. دیگر نقش آفرینی‌های او شامل «شام من با هروه»، «انتقام جویان: جنگ ابدیت» و «مردان ایکس: روزهای گذشته اینده» می‌شود.

بلیر اخیرا با ساخت فیلمی برای کمپانی نتفلیکس اولین تجربه کارگردانی خود را رقم زد و با آن جایزه بزرگ هیئت داوران جشنواره فیلم ساندنس را دریافت کرد.

اقتصاد کیش روزنامه

پرتیراژترین و با سابقه ترین نشریه جزیره کیش

گسترده ترین شبکه اطلاع رسانی داخلی منطقه آزاد کیش

۴۴۴۲۴۹۶۹
۴۴۴۲۴۹۹۹